



REUTERS

#### ۹- ترجیح دیپلماسی بر جنگ

در خلال جنگ اوکراین، آنچه یکبار دیگر اهمیت آن بر جهان به اثبات رسید، اولویت دیپلماسی در برابر جنگ بود. نمایندگان روسیه و اوکراین در آغاز هفته دوم جنگ با نشستن پای میز مذاکرات تلاش کردند، گری را که با جنگ می‌تواند کور و کورتر شود، با دستان دیپلماسی باز کنند. هرچند در سه دور اول مذاکرات که تا زمان نگارش این مطلب انجام شده بودند، موفقیت بزرگی به دست نیامد. اما حداقل آن، این بود که طرفین بر سر انتقال غیر نظامیان از فضای جنگی به خارج از آن به توافق رسیده و به یکدیگر چراغ سبزی از علاقه خود به پایان دادن جنگ نشان دادند.

#### ۱۰- استاندارد دوگانه رسانه‌ها

یکی از مهم‌ترین درس‌هایی که جهان از جنگ اوکراین آموخت و به عبارتی با واقعیت تلخ آن رو به رو شد، استاندارد دوگانه رسانه‌ها در قبال مسائل مشابه بود.

در شرایطی که چندین دهه است، مردم فلسطین تحت یکی از شدیدترین نظام‌های آپارتاید تاریخ جهان به سر می‌برند و هشت سال است مردم یمن نه تنها آوار بمب‌ها را بر سر خود و خانواده‌هایشان متحمل می‌شوند، با رنج گرسنگی دست و پنجه نرم می‌کنند، جهان کمتر با واقعیت‌های تلخی که در فلسطین و یمن جاری است، آشنا است.

این در حالی است که از همان نخستین روز حمله روسیه به اوکراین، رسانه‌های غربی پر شد از تصاویر زنان و کودکانی که از خانه‌های خود آواره شده بودند و تصاویر مربوط به چندین آپارتمانی که خسارت‌های شدید دیده بودند، بارها و بارها از طریق این رسانه‌ها منتشر شد.

و خروج از پیمان پاریس و طرح خروج آمریکا از ناتو، اروپا را از خود ناراضی کرد، همواره صحبت از این بوده است که اروپا به دلیل این اقدامات «ترامپ» اعتماد خود را به آمریکا از دست داده است. اما در خلال جنگ اوکراین، این آمریکا بود که اعتماد خود را به اروپا از دست داد. آمریکا انتظار داشت زمانی که از اروپا می‌خواهد، در تحریم سراسری گاز روسیه مشارکت کنند، آنها بی چون و چرا این درخواست را بپذیرند. اما در نهایت اروپا به دلیل تبعات اقتصادی چنین کاری حاضر به تحریم گازی روسیه نشد.

#### ۸- عصر قدرت نمایی شرق

بیش از یک قرن غرب جهان را به تسخیر خود در آورده بود و سیاست‌های خود را بر سایر کشورهای جهان دیکته می‌کرد. اما در خلال جنگ اوکراین، غرب خود را مقهور همکاری و اتحادی که بین چین و روسیه وجود دارد، دید. هرچند مسکو و پکن یک قرن است از همکاری مشترک سود می‌برند اما این همکاری‌ها در دو دهه اخیر معنایی دیگر برای غرب یافته است. در این دودمه روسیه‌ای که غرب تصور می‌کرد با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تبدیل به خرسی بی‌پنجه و دندان شده است، با رهبری «پوتین» نه تنها جایگاه خود را در جهان تثبیت کرد که در خاورمیانه جای آمریکا را گرفت و صاحب نفوذی شد که آمریکا در حال از دست دادن آن است. چین نیز به طور خاص در یک دهه گذشته که «شی جین پینگ» رهبری این کشور را به دست گرفته، تبدیل به قطب اقتصادی جهان شده و کالاهای چینی در کوچکترین روستاهای جهان نیز دیده می‌شوند. از همین رو اتحاد و قدرت نمایی روسیه و چین در عصر جدید جهان، معنایی تازه برای غرب دارد.

ائتلاف جنگی دیگری برای حمله به عراق و سرنگونی صدام به راه انداخت. اما در دو هفته نخست جنگ اوکراین، جهان شاهد ناتوانی آمریکا در ایجاد رهبری جناحی مقابل روسیه بود. آمریکا در ۱۵ روز نخست این جنگ بسیار تلاش کرد تا اروپا را با خود در تحریم نفتی و گازی روسیه همراه سازد و از این طریق مسکو را به زانو در آورد. اما بجز انگلیس سایر کشورهای این درخواست را اجابت نکردند. اما نه تنها اروپا که حتی عربستان و امارات که شرکای قدیمی آمریکا در منطقه خاورمیانه محسوب می‌شوند نیز حاضر به اجابت درخواست واشنگتن برای افزایش تولید نفت و گاز و ثابت نگه داشتن بهای این کالاها در جهان نشدند.

#### ۶- ناکارآمدی نهادهای بین‌المللی

سال‌ها است، اعتراض‌ها به روند کاری مجمع عمومی سازمان ملل و بی‌تأثیر بودن بیانیه‌های آن بر همگان آشکار شده است. اما در خلال جنگ اوکراین، این ناکارآمدی در همه بخش‌های این سازمان مشاهده شد. نه شورای امنیت به دلیل حق وتو توانست به تصمیمی واحد دست یابد و نه امدادگران سازمان ملل توانستند بموقع به یاری مردم اوکراین که در شرایط جنگی قرار داشتند، بروند. علاوه بر سازمان ملل، ناتو هم به صراحت از جنگ خود را کنار کشید و با این توجیه که تنها مسئول امنیت کشورهای عضو است، ادعاهای قبلی خود برای کمک به اوکراین را فراموش کرد. سایر نهادهای بین‌المللی نیز فاقد تأثیرگذاری لازم نشان دادند و سکوت کردند.

#### ۷- بی‌اعتمادی آمریکا به اروپا

از زمانی که «دونالد ترامپ» در آمریکا رئیس‌جمهور شد و با اعمال تعرفه‌ها

#### ۴- پایان عصر جنگ و آغاز عصر تحریم

جنگ سالاران آمریکایی که از جنگ جهانی به این سو به عنوان علاقه‌مندان به ورود نظامی به کشورها نشان می‌دادند، در خلال جنگ اوکراین، نشان دادند، دیر چنین تمایلی در آمریکا مشاهده نمی‌شود. این بی‌میلی آمریکا به حضور نظامی در جهان از زمان «باراک اوباما» و پاسخ رد او به اروپا برای ورود به جنگ لیبی آغاز شد و با تلاش «دونالد ترامپ» برای خروج از افغانستان و عملی شدن این رویداد در دوره «جو بایدن» ادامه یافت. در نخستین روزهای جنگ اوکراین نیز بعد از اینکه «ولودیمیر زلنسکی»، رئیس‌جمهور اوکراین از «جو بایدن» خواست شرکای خود در ناتو را مجاب سازد در حمایت از کی‌یف وارد جنگ اوکراین شوند، رئیس‌جمهور آمریکا به طور قاطع پاسخ رد به او داد. و البته باید گفت با پایان عصر جنگ‌های آمریکا، عصر اعمال سیاست‌های تحریمی در این کشور آغاز شده است و واشنگتن در قبال هر کشوری که در مسیر دلخواه آن نیست، تحریم‌هایی سنگین اعمال می‌کند تا از این طریق به مقابله با آنها و نظام‌های حاکم در آنها برود.

#### ۵- پایان رهبری آمریکا

هرچند آمریکا تحریم را به عنوان ابزار جدید اعمال فشار خود بر کشورها و نظام‌های حاکم بر آنها انتخاب کرده است اما همزمان با این تغییر سیاست، جنگ اوکراین فاش کرد، آمریکا دیگر توان رهبری سابق را ندارد. آمریکا تنها ۲۰ سال پیش به بهانه حمله به برج‌های تجارت جهانی توانست شمار زیادی از کشورهای جهان را با خود همسو کند تا وارد خاک افغانستان شود. این کشور سال ۲۰۰۳ نیز در اقدامی مشابه،

۳ اسفند ۱۴۰۰

روسیه بعد از ماه‌ها مانورهای نظامی در مرزهای اوکراین، به این کشور حمله کرد. اوکراینی‌ها تا پیش از این حمله تصور می‌کرد، غرب از کی‌یف در قبال مسکو حمایت خواهد کرد، بعد از شروع حملات روسیه، خود را کاملاً تنها دید.